

آتیه نو اثرات حذف نرخ نیما بر سودآوری شرکت‌های صادراتی را بررسی می‌کند

گامی به‌سوی شفافیت و حذف رانت ارزی

مقطعی به حساب می‌آید، یعنی یک موضوع اقتصادی واقعی نیست. طبیعتاً با دستورالعمل جدید درآمد ارزی جدیدی برای شرکت‌های صادرات‌محور حاصل می‌شود اما این یک پدیده مقطعی است و نمی‌توان آن را به‌عنوان یک روند پایدار در مسیر رشد اقتصادی دید. این اقدام صرفاً یک اصلاح قیمت‌گذاری به‌شمار می‌رود. بازار سرمایه زمانی رشد پیدا می‌کند که زیربنای اقتصاد توسعه‌یابد. این درحالی است که تک‌نرخ‌ی شدن، سیاست بسیار درستی است و هرچه زودتر اتفاق بیفتد رانت و فساد هم سریع‌تر از بین می‌رود. همواره با اجرای خط‌مشی ارز چند نرخی عده‌ای به‌دنبال لابی کردن و بهره‌گیری از قیمت ارز پایین‌تر می‌روند تا بدون ایجاد ارزش افزوده، محصول خود را با قیمت بالاتر بفروشند.

ارز تک‌نرخ‌ی چنین پدیده‌هایی را به حداقل می‌رساند. اگر بازار هدف کُشش داشته باشد، تک‌نرخ‌ی شدن ارز به بهبود وضعیت شرکت‌های صادرات‌محور می‌انجامد. از سویی تحقق این امر باعث افزایش درآمدهای ارزی و سرمایه‌گذاری و تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌های می‌شود اما این اتفاق یک مفروض دیگر هم دارد: اینکه مدیریت شرکت درست تعیین شود.

اگر شرکت‌ها مدیریت نامناسبی داشته باشند، حرکتی در بازار اتفاق نمی‌افتد. بنابراین ضروری است که اول خود بازار سهام رشد کند. دوم اینکه مدیریت باید بتواند در بازار نقش‌آفرینی اقتصادی داشته باشد. اگر این موارد تحقق یابد، تک‌نرخ‌ی کردن ارز حتماً بر بازار سرمایه اثر مثبت می‌گذارد. به گفته فعالان اقتصادی، تعدد بخش‌نامه‌ها، سامانه‌های معاملاتی و دیگر مقررات، سردرگمی‌های جدی برای فعالان اقتصادی و تِجار ایجاد کرده که به مشکلات آن‌ها دامن می‌زند. در همین رابطه، پیش از راه‌اندازی مرکز مبادله ارزی، دارندگان ارز شامل تِجار و دیگر فعالان، ارز خود را در بازاری رقابتی مبتنی بر عرضه و تقاضا معامله می‌کردند. با اجرای سیاست‌های مربوط به رفع تعهدات ارزی، این روند منطقی برهم خورد. اقتصاد ایران نیازمند چابک‌سازی است. این امیدواری وجود دارد با حذف سامانه‌ها و دستورالعمل‌های زائد، که مانع گردش مالی و حرکت اقتصادی هستند، به سمت اقتصادی پویا و شکوفا حرکت کنیم.



توافقی است که امید می‌رود با حجم گسترده معاملات و شکل‌گیری عرضه و تقاضای واقعی، از فضای رانتی که پیش از این در جابه‌جایی ارزهای دولتی و ثبت در سامانه نیما وجود داشت، جلوگیری کند. او توضیح داد: «این رانتی که به وضوح در ثبت نرخ‌های سامانه نیما دیده می‌شد، با دریافت نرخ‌های اضافه عملاً ساختاری غیرشفاف را ایجاد کرده بود. بازار توافق، با حذف این رانت و کاهش اختلاف میان ارز دولتی و ارز آزاد، به معنای برداشتن گامی در جهت حذف بازار غیررسمی و تطبیق واقعیات اقتصادی خواهد بود.»

پیام‌های تک‌نرخ‌ی شدن ارز بر رشد اقتصادی با حذف نرخ نیمایی، شرکت‌هایی که صادرات انجام می‌دادند با ارز دریافت می‌کردند، می‌توانند بدون محدودیت ارز خود را بفروشند. این دسته از شرکت‌ها قبلاً در فضای رقابتی قادر نبودند ارزش‌شان را معامله کنند، زیرا محدودیت وجود داشت. حالا این اقدام جدید درآمد حاصل از فروش ارز را برای شرکت‌هایی که در بورس پذیرفته شده‌اند، یا حتی آن‌هایی که در بورس نیستند، افزایش می‌دهد. آن چیزی که مهم است و باید به آن توجه کرد این است که این اتفاق یک پدیده

کامل وجود ندارد. از سوی دیگر، ارز نیمایی نیز بهای واقعی نیست و قیمت مؤثر آن مسلماً بالاتر از قیمت ثبت‌شده در سامانه‌های مربوطه است. در مقابل، بازار توافقی حرکتی رو به جلو در جهت تطبیق نرخ ارز در بازار آزاد و ارز دولتی تلقی می‌شود. اثرات این حرکت بر بازار سرمایه، جدا از عدم تمایل دولت به کنترل تورم و جلوگیری از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها به‌ویژه در کالاهای اساسی که عمدتاً با نرخ‌های ارز دولتی تأمین می‌شدند، قابل توجه است.»

آقابزرگی ادامه داد: «در چنین شرایطی نمی‌توان شرکت‌ها را مجبور کرد با نرخ ارز پایین‌تر، ارز حاصل از صادرات خود را ثبت کنند، در حالی که برای تأمین ارز مجبور به خرید با قیمت‌های بالاتر هستند. این وضعیت نشان می‌دهد که به‌مرور زمان، حاشیه سود عملیاتی شرکت‌ها افزایش خواهد یافت، به شرط آنکه دولت در این فرایند دخالتی نکند و به حاشیه سود شرکت‌ها دست‌اندازی نداشته باشد.»

این کارشناس اقتصادی توضیح داد: «نکته کلیدی درباره بازار توافقی این است که این بازار می‌تواند به ایجاد بازاری متشکل و شفاف در کشف قیمت منجر شود. این شفافیت، یکی از مهم‌ترین مزایای بازار

رامین بیات
روزنامه نگار

گزارش بانک مرکزی در خصوص شکل‌گیری و تعمیق بازار یکپارچه ارز در کشور اطلاعیه شماره یک خود را منتشر کرد. در این اطلاعیه آمده است: «در راستای تکمیل اقدامات انجام شده برای ایجاد و راه‌اندازی بازار ارز تجاری کشور، تاکنون علاوه بر طراحی سامانه‌های مورد نیاز، گروه‌های مختلف صادرکنندگان و واردکنندگان از طریق هماهنگی‌های انجام‌شده با اتاق بازرگانی ایران و وزارت صنعت، معدن و تجارت، به بازار ارز تجاری وارد شده‌اند و نسبت به انجام معامله اقدام کرده‌اند. تا روز دوشنبه، ۲۶ آذرماه همه صادرکنندگان به‌منظور رفع تعهد صادراتی، از طریق واگذاری ارز حاصل از صادرات به دیگران، ملزم هستند که ارزهای مذکور را از طریق بازار ارز تجاری مرکز مبادله ارز و طلای ایران عرضه کنند.» بسیاری از فعالان و کارشناسان اقتصادی، اجرای این برنامه را به‌عنوان پایان عمر و فعالیت سامانه نیما ارزیابی کرده و تحقق آن را بر رشد سود شرکت‌های صادرات‌محور بورس مؤثر دانسته‌اند.

حرکت به سمت تک‌نرخ‌ی شدن و واقعی کردن ارز در صورت توجه به برخی پیش‌شرط‌ها می‌تواند بر رشد اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری و تأمین سرمایه در گردش شرکت‌ها تأثیرگذار باشد. فردین آقابزرگی، کارشناس اقتصادی درگفت‌وگو با «آتیه نو» با اشاره به اینکه یکی از متغیرهایی که از سال گذشته تاکنون مورد توجه مسئولان قرار گرفته، بحث تعیین نرخ ارز شفاف و منطبق بر عرضه و تقاضای واقعی در بازار بوده، گفت: «این مهم به دلیل اعمال دستورات مستقیم در بازار ارز و تلاش برای کنترل نرخ تورم و جلوگیری از افزایش قیمت ارز در بازار آزاد، به‌درستی اجرایی نشده است. ارز نیمایی که در حال حاضر با بهای ارز در بازار آزاد تطابق ملموس و واقعی ندارد، نمی‌تواند به‌عنوان ملاک اصلی و نرخ واقعی ارز در

او افزود: «عرضه و تقاضای واقعی در این بازار به‌طور

گزارش ایران یکی از تولیدکنندگان برجسته تجهیزات کشاورزی از جمله تراکتور به شمار می‌رود که محصولات خود را به ۲۵ کشور صادر می‌کند. بر اساس آمار گمرک، در هشت ماه نخست امسال، تراکتورهای تولیدی داخل به ۱۳ کشور از جمله عراق و افغانستان صادر شده‌اند. در حال حاضر، با وجود اینکه کشورمان یکی از تولیدکنندگان اصلی تراکتور محسوب می‌شود، کمبود نقدینگی و افزایش هزینه تجهیزات، کشاورزان را به استفاده از تسهیلات بانکی برای خرید این ماشین‌آلات وابسته کرده است. طی دو سال گذشته، تسهیلات لازم برای خرید ماشین‌آلات کشاورزی از سوی بانک‌های عامل ارائه نشده و این موضوع موجب نارضایتی کشاورزان از صف‌های طولانی خرید تجهیزات شده است.

واردات تراکتور در مقابل بد‌بهدی بانک‌ها در پاسخ به این مشکل، وزارت جهاد کشاورزی برای تأمین نیازهای این بخش، ایده واردات تراکتورهای دست‌دوم را مطرح کرد که با موافقت سازمان توسعه تجارت نیز همراه شد. طبق این بخش‌نامه، کمیته ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات، به شرط ارائه خدمات پس از فروش و دریافت تأییدیه استاندارد، مجوز واردات ماشین‌آلات کشاورزی دست‌دوم را صادر کرد. همچنین معاونت توسعه بازرگانی و مرکز توسعه مکانیزاسیون و صنایع کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرده‌اند که واردات انواع ماشین‌آلات کشاورزی کارکرده، مطابق مشخصات ذکر شده در جداول مربوطه، بدون محدودیت تعداد و با رعایت ضوابط ثبت سفارش، به‌صورت کلی مورد موافقت قرار گرفت. همچنین واردات تراکتورهای کشاورزی صرفاً با قدرت بالای ۱۲۰ اسب بخار مشروط به قرار داشتن در فهرست تراکتورهای دارای گواهی تأیید نوع از سوی سازمان ملی استاندارد ایران، بلامانع است.

یادداشت
↓
بانک‌ها باید دست از بنگاه‌داری بردارند
مرصاد شهرودی
پژوهنگار اقتصادی

باید این موضوع را بپذیریم که یکی از اصلی‌ترین چالش‌های بانک‌های ایران، مسئله بنگاه‌داری و تأثیرات منفی آن بر عملکرد سیستم بانکی است؛ موضوعی که رئیس کل اسبق بانک مرکزی که هم‌اکنون در مقام وزیر اقتصاد قرار دارد، بر آن تأکید دارد. بسیاری از بانک‌ها -به‌ویژه بانک‌های خصوصی- علاوه بر فعالیت‌های بانکداری، به بنگاه‌داری و حتی بنگاه‌سازی نیز پرداخته‌اند. این روند موجب شده منابع مالی بانک‌ها به‌جای هدایت به سمت فرایندهای تولیدی و تأمین مالی پروژه‌های اقتصادی، در دارایی‌های غیرمولد و بنگاه‌های وابسته به خود قفل شوند. در شرایط کنونی کشور که نیاز مبرمی به هدایت منابع مالی به سوی پروژه‌های مولد و زیرساختی وجود دارد بنگاه‌داری، علاوه بر مشکلاتی که برای بانک‌ها ایجاد می‌کند، بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن‌ها برای حمایت مؤثر از تولید و اشتغال‌زایی را ناممکن می‌کند. دلایل متعددی برای ورود بانک‌ها به عرصه بنگاه‌داری وجود دارد. نخستین دلیل به سیاست‌های دولت و نحوه پرداخت بدهی‌ها بازمی‌گردد. نهاد دولت برای تسویه بدهی‌های خود، به بانک‌ها سهام شرکت‌های زیان‌ده یا واحدهای تولیدی غیرعملکردی را واگذار می‌کرد. این امر باعث شد بانک‌ها به‌صورت غیرمستقیم به مدیریت بنگاه‌ها ورود کنند. از طرفی، بانک‌ها برای پوشش ریسک تسهیلاتی که به واحدهای تولیدی می‌دادند، مجبور شدند کارخانه‌ها یا املاک را به رهن بگیرند و در صورت نکول تسهیلات، آن‌ها را تملک کنند. این روند موجب‌ان آن را فراهم آورده تا منابع بانک‌ها در بنگاه‌ها و دارایی‌های غیرمولد قفل شود، به‌جای اینکه در چرخه تولید و پروژه‌های اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد. به همین دلیل، حتی بانک‌های خصوصی هم وارد این عرصه شدند. این مسئله در بانک‌های خصوصی که به دنبال افزایش سود خود هستند، شدت بیشتری پیدا کرده است. از سویی، شرکت‌های زیرمجموعه به‌نوعی یک پوشش برای بنگاه‌داری بانک‌ها و پرداخت تسهیلات به خودشان هستند. در واقع، به‌جای اینکه بانک‌ها منابع مالی خود را به پروژه‌های مولد و تولیدی تخصیص دهند، آن‌ها این منابع را به شرکت‌های وابسته خود می‌دهند. این روند موجب می‌شود بانک‌ها به‌جای حمایت از بخش‌های اقتصادی و طرح‌های زیرساختی، بیشتر به دنبال کسب سود از طریق بنگاه‌داری و سرمایه‌گذاری در دارایی‌های غیرمولد باشند. به‌عنوان نمونه، در یکی از بانک‌های خصوصی، بخش قابل توجهی از تسهیلات (حدود ۹۰ درصد) به شرکت‌های زیرمجموعه خود پرداخت شده، یعنی بانک فوق، منابع را عمدتاً در پروژه‌هایی که به خودشان مرتبط است، منحصر می‌کند. چنین رویکردی موجب افزایش مطالبات غیرجاری و بروز ناترازی در سیستم بانکی می‌شود. یکی از راهکارهای اصلی، خروج بانک‌ها از بنگاه‌داری و بازگشت به فعالیت‌های اصلی بانکداری است. این بدان معناست که بانک‌ها باید منابع خود را به سمت تأمین مالی پروژه‌های تولیدی و زیرساختی هدایت کنند و از ورود به فعالیت‌های غیرمولد و مدیریت بنگاه‌ها اجتناب کنند. بانک‌ها می‌توانند با فروش دارایی‌های خود و واگذاری بنگاه‌ها، منابع مالی لازم را برای تأمین مالی پروژه‌های اقتصادی و تولیدی فراهم کنند. این اقدام علاوه بر اینکه موجب بهبود وضعیت مالی بانک‌ها می‌شود، به کاهش تورم و رفع مشکلات اقتصادی نیز کمک خواهد کرد. در این راستا، بانک‌ها باید برای تأمین منابع مالی به ابزارهای مالی نوین و مشارکت با بخش خصوصی روی آورند تا پروژه‌های بزرگ به‌ویژه در حوزه زیرساختی را تأمین مالی کنند. البته موارد گفته شده، تازگی ندارد و همیشه مطرح بوده اما نظام بانکی حاضر به حرکت به این سمت نیست. همچنین یکی از اقدامات مهم در این زمینه، اصلاح قوانین و مقررات بانکداری است که بتواند مانع از ادامه روند بنگاه‌داری شود و بانک‌ها را مجبور به تمرکز بر فعالیت‌های اصلی خود کند. به‌عنوان مثال، قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها که اخیراً تصویب شده، فرصت خوبی را فراهم آورده تا بانک‌ها از بنگاه‌داری خارج شوند و به بنگاه‌سازی بپردازند، یعنی به‌جای مالکیت بنگاه‌ها، بانک‌ها منابع خود را در پروژه‌های تولیدی و اقتصادی سرمایه‌گذاری کنند. این تغییرات به تنوع‌بخشی منابع مالی کمک و فرایند تأمین مالی بنگاه‌ها را تسهیل می‌کند. همچنین، نظارت دقیق و شفاف از سوی بانک مرکزی بر عملکرد بانک‌ها و نظارت بر نحوه تخصیص منابع، می‌تواند به این فرایند سرعت بخشد.

تراکتورهای ایرانی و مسئله ظرفیت تولید داخلی در برابر واردات

این بخش‌نامه است. بنا بر آنچه در این دستورالعمل آمده و چیزی که از آن استنباط می‌شود، مقرر شده حجم نامحدودی از تراکتورهای سنگین که عمدتاً این نوع تراکتورها از تکنولوژی بالا و پیچیده‌ای برخوردارند، وارد کشور شوند. حال اینکه چه کسی و با چه تخصصی می‌خواهد این فرایند را طی کند و به‌عنوان واردکننده معرفی شود، مشخص نیست. بدین ترتیب هر کسی با هر قابلیتی می‌تواند این کار تجاری-صنعتی را انجام دهد.

آمار تراکتورهای صادراتی و وارداتی

بر اساس آمار گمرک ایران، در هشت‌ماهه امسال حدود ۱۱ هزار و ۲۲۸ تن تراکتور به ارزش حدود ۴۳ میلیون دلار از کشور صادر شد. مقصد نخست تراکتورهای ساخت ایران، بازار عراق است که در این مدت ۸۳۶۲ تن (حدود دو هزار تراکتور) به ارزش ۲۵ میلیون و ۵۲۰ هزار و ۱۴۴ دلار صادر شد. همچنین در این مدت ۳۱۹۱ تن به ارزش ۱۰ میلیون و ۴۴۲ هزار و ۹۶ دلار تراکتور ایرانی به همسایه شرقی صادر شد. سهم بازار عراق از تراکتورهای صادراتی ایران ۵۹.۵ درصد و افغانستان ۳.۲۴ درصد است. از طرف دیگر بر اساس آمار گمرک، در هشت‌ماهه سال جاری ۳۱ تن به ارزش ۱۳۶ هزار و ۷۶۸ دلار تراکتور از دو کشور ترکیه و چین وارد ایران شد. حال باید دید آیا واردات تراکتورهای کارکرده، از میزان ضایعات محصولات کشاورزی و مصرف بالای سوخت جلوگیری می‌کند و این واردات به نفع کشاورزان است یا هزینه مضاعف به اقتصاد کشور تحمیل می‌شود. می‌توان گفت باید در داخل کشور تمهیداتی اندیشیده شود تا ضمن بهره‌گیری از توان داخل در تولید تراکتور، از واردات آن نیز جلوگیری به عمل آید. از سوی دیگر با توجه به پتانسیل صادراتی کشور در این زمینه باید بازاریابی مناسبی برای تراکتورهای ایرانی صورت گیرد، تا بتوان ارزآوری مناسبی برای کشور انجام داد.



تأمین ۹۸ درصد از نیاز کشور با توان داخلی برخی صنعتگران در واکنش به این موضوع ضمن اشاره به قدمت نزدیک به شش دهه‌ای تراکتورسازی در تولید انواع تراکتورها با کاربری‌های زراعی، باغی و شالیزار از ۳۰ تا ۱۵۰ اسب بخار عنوان می‌کنند که تولیدکنندگان داخلی توان و تأمین بیش از ۹۸ درصد نیاز کشور را دارند. در این راستا با بیش از ۱۰۰۰ واحد تولیدی برای تأمین قطعات مورد نیاز همکاری می‌شود. علاوه بر اینکه طی سه سال گذشته تولید صرفاً تراکتور از ۲۲ هزار دستگاه به ۴۲ هزار دستگاه رسیده است. آن‌ها معتقدند ایرادهایی به این بخش‌نامه وارد است که از نگاه کمتر کسی می‌تواند دور باشد. به‌عنوان نمونه، محدودیت رقمی بر حجم واردات مثلاً در حوزه تراکتور در این بخش‌نامه ذکر نشده است. با توجه به اداره بیش از ۸۰ درصد بخش کشاورزی ایران به شکل خرده مالکی که کاربردی برای تراکتورهای سنگین در چنین مزارعی وجود ندارد، باید پرسید چطور می‌شود که یک‌شبه می‌خواهیم تراکتور، آن هم از نوع سنگین که کمترین مصرف داخلی را دارد، بدون محدودیت حجمی وارد کشور کنیم؟ معمولاً در چنین مباحثی وقتی عنوان کارکرده مورد